دولت از موسیقی حمایت نمی کند

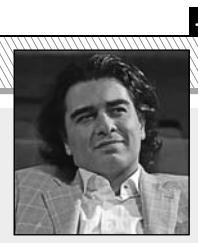

سامان احتشامی آهنگساز و نوازنده درباره آخرین فعالیت خود در دنیای موسیقی بیان کرد: در حال ساخت اثر مشترکی با علی زندوکیلی خواننده و علیرضا افکاری آهنگساز هستم که این تک آهنگ ضبط شده است و به زودی منتشر خواهد شد. احتشامی با بیان اینکه ویروس کرونا باعث کم کار شدن و بیکاری بسیاری از آهنگسازها و نوازنده‌ها شده است، عنوان کرد: من برای امرار معاش به صورت آنلاین تدریس می‌کنم و هیچ وقت کارهای هنری که انجام دادم ممر اصلی زندگی‌ام نبوده است. اگر هم درآمدی از این راه کسب کردم برای زندگی بهتر هزینه کردم. این نوازنده با انتقاد از اینکه در کشور ما قانون کپی رایت وجود ندارد و دستمزد نوازنده‌ها هم بسیار کم است، توضیح داد: به دلیل کم بودن تولید موسیقی اصلا از ده‌ها سال قبل هم با کار هنری و اجرای موسیقی نمی‌شد زندگی کرد. حال اگر کسانی هستند که با این روش زندگی می‌کردند وای به حال‌شان! زیرا متاسفانه کرونا باعث شده بیکار شوند البته این اتفاق در تمام جهان افتاده است. هنرمند باید هوش اجتماعی داشته باشد تا در اوضاع و احوال بد جهان زندگی‌اش را بگذراند. به گزارش صبا، این آهنگساز که از ۶ سالگی کار موسیقی را آغاز کرده و روزانه ۱۵ ساعت فعالیت هنری انجام می‌دهد، با بیان این که دولت هیچ‌وقت از موسیقی حمایت نکرده است، عنوان کرد: دولت در طول این سال‌ها هیچ حالی به موسیقی نداده و گاه از تعطیلی موسیقی خوشحال شده است.

آخرین وضعیت خاکسپاری چنگیز جلیلوند

پیکر چنگیز جلیلوند طی روزهای آینده در قطعه هنرمندان به خاک سپرده خواهد شد. طبق پیگیری ایسنا از خانه سینما، دختر این هنرمند سرشناس عرصه دوبلور، قرار است از خارج از کشور به ایران بیاید و پس از آن زمان خاکسپاری مشخص خواهد شد. این هنرمند دوست داشتنی که به جای بازیگران مطرح سینمای ایران و جهان صداپیشگی کرده بود، روز یکشنبه ۲ آذر ماه بر اثر کرونا دیده از جهان فرو بست.

تحلیلی بر حال و روز سینماچی‌ها در شرایط بحرانی که در آن قرار داریم

خداحافظ سینما!

آفتاب یزد – گروه فرهنگی: چند روز پیش سعید خانی پیمانکار سینما فجر اسلامشهر درباره وضعیت این سینما گفته بود: «با توجه به اینکه سینماها از اول اسفند پارسال تعطیل شده‌اند عملا هیچ فیلمی به درستی اکران نشده و سازمان سینمایی به عنوان نماینده دولت هم هیچ کمکی نکرده و شرایط خیلی بدی است.» این فعال حوزه سالن داری در ادامه سخنانش با اشاره به هزینه‌های این سینما بیان کرده بود: «ما هزینه‌های تجهیز، سرویس، بیمه و آتش‌نشانی را از جیب پرداخت می‌کنیم. الان هم فقط نگهبان داریم ولی مجبور شدیم از همه کارمندان سینما عذرخواهی کنیم. هزینه‌ها را پایین آورده‌ایم و تلاش می‌کنیم تا عید نوروز دوام بیاوریم تا تکلیف واکسن مشخص و شرایط بهتر شود.»

■ پیشگفتار

حالا دیگر برخی معتقدند که آمده و دیگر خیال رفتن ندارد، منظورمان کروناست، همان که بیش از یک سال است در تمام کشورهای جهان رخنه کرده و بی‌خیال مردم نمی‌شود، کشور ما نیز ۹ ماه است وارد ماجرای مبارزه با این اپیدمی شده و هرچه تلاش و تقلا می‌کنیم باز هم هر روزه شاهد این هستیم که عده‌ای از هموطنانمان بنا به دلایل مختلف گرفتار این بیماری می‌شوند و در این میان برخی جانشان را بابت این ماجرا از دست می‌دهند و برخی دیگر نیز به مبارزه با این ویروس مهلک می‌پردازند و چند صباحی روی تخت بیمارستانها یا در خانه‌های خود در شرایط سختی روزگار می‌گذرانند و دست آخر نیز بالاخره موفق می‌شوند این بیماری را شکست دهند و دوباره لباس عافیت بپوشند. اما گذشته از این مسئله، حالا دیگر حالیمان شده که کرونا تنها بیماری را برای جامعه بشری به ارمغان نیاورده و آن عده کثیری از افراد را که خیلی مراعات می‌کنند و به این ویروس اجازه ورود به بدنشان را نمی‌دهند به طرز دیگری گرفتار می‌کند و زندگی شان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، گونه‌ای که اگر منصفانه بنگریم مشکلاتش کم از مشکلات مبتلا شدن به این ویروس نیست و همانقدر سخت و طاقت فرساست. گونه‌ای تحت عنوان «بدشدن شرایط اقتصادی». این شکل از مبتلا شدن به کووید- ۱۹ اگرچه آدمی را روی تخت بیمارستان نمی‌خواباند و درد جسمانی برایش به همراه ندارد، اما زندگی و معیشت اقتصادی او را نه تنها با تهدید جدی مواجه می‌کند، بلکه آن را به سمت تعطیلی همیشگی می‌کشاند و اگر موفق شود باید بپذیریم که کانون گرم خانواده‌های بسیاری از این مسیر متلاشی می‌شود. همانطور که همه ما می‌دانیم اولین و مهمترین اصل در زندگی فردی و اجتماعی امروز آن است که هر کسی در هر شرایطی که قرار دارد، شغلی برای امرار معاش و کسب درآمد داشته باشد تا بتواند به وسیله آن روز و روزگار خود را سپری نماید. با این تفسیر می‌توان بیان کرد که اقتصاد و مسائل پولی و مالی مهمترین اصل در زندگی امروز است. پیش از آمدن کرونا شرایط خوب بود، وضعیت مردم به هر سختی که می‌گذشت بالاخره نانی برای خوردن داشتند، هرچند که آن زمان هم عده بسیاری از مردم نه شغلی داشتند و نه درآمدی و واقعا از شرایط سختی برخوردار بودند که این مسئله واقعا جای تاسف دارد که چرا باید مردم این سرزمین از چنین وضعیتی برخوردار باشند. اما همانطور که اشاره کردیم کرونا آمد و وارد زندگی مردم شد و از دو جنبه مهم و حیاتی زندگی آنها را تحت الشعاع قرار داد، جدا از بهم خوردن رویه زندگی عادی مردم و ورود ماجراهایی نظیر استفاده از ماسک و دستکش، شستشوی مدام دستها، رعایت فاصله اجتماعی، عدم امکان دید و بازدید اقوام و خویشاوندان، عدم امکان رفتن به مسافرت، مشکلات عدیده‌ای که برای جامعه پزشکی و پرستاری به واسطه حجم انبوه بیماران مراجعه‌کننده به بیمارستانها و... کرونا توانست هم به لحاظ سلامتی و هم به لحاظ اقتصادی زندگی مردم را به شدیدترین شکل ممکن تحت تاثیر خود قرار دهد و این ماجرا تا جایی ادامه یافت که به خاطر سلامتی مردم، دولتها مجبور شدند بسیاری از مشاغل را برای مدتی تعطیل کنند و این یعنی به گل نشستن قایق‌های کوچک و بزرگی که در هر کدام یک خانواده نشسته بود و برای امرار معاشش به درآمد نیاز داشت.

■ ورود به بحث اصلی

پیشتر درباره مشکلات و مسائلی که جامعه هنرمندان، اعم از بازیگران و کارگردانان و عوامل پشت صحنه آثار تصویری به واسطه ورود کرونا به جامعه بشری تحمل کرده و در حال تحمل کردن آن هستند، گزارش‌های متعددی را منتشر کردیم، گزارش‌هایی که هر کدام حاوی دردنامه‌هایی بودند که از زبان یک یا چند هنرمند در مواجهه با ویروس کرونا بیان شده بودند. برخی گلایه داشتند که در شرایط عادی پیشنهادها برای کار بسیار کم بود و حالا که کرونا آمده، وضعیت وخیم‌تر هم شده است، بعضی دیگر نیز مدعی بودند که به چه دلیل باید این آب باریکه‌ای که نان دانی ما محسوب می‌شود با تعطیلی مواجه شود و ما از کار بیکار شویم؟ عده‌ای می‌گفتند با وجود کرونا هنوز کار می‌کنیم اما شرایط برایمان بسیار سخت است و هر آن امکان دارد حتی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی کرونا بگیریم و یا راهی تخت بیمارستان شویم و یا مجبور باشیم خود را قرنطینه کنیم و سختی بکشیم و متاسفانه در این میان برخی هنرمندان هم بودند که گرفتار این بلا شده و یا مانند اکبر عالمی، خسرو سینایی، کریم اکبری مبارکه و چنگیز جلیلوند جان خود را از دست دادند و یا مانند کیانوش گرامی، مختار سائقی، محمدرضا گلزار، نوید محمدزاده، پرویز پورحسینی، جلال الدین معیریان، محمد گلریز و... شرایط سخت بیماری کووید ۱۹ را تحمل کنند تا به خواست خدا و دعای مردم حالشان خوب شود و دوباره به زندگی عادی برگردند. در طول این مدت، تقریبا از همه اهالی هنر چه آنان که در حوزه هنر هفتم فعالیت می‌کردند و چه آنان که در عرصه هنرهای تجسمی به کار مشغول بودند، گفتیم و اظهارات آنها را پیرامون مشکلاتی که کرونا برای خودشان و خانواده هایشان ایجاد کرده را مطرح کردیم. در تمام این نوشته‌ها همواره سعی مان بر آن بود که از دولتمردان، مسئولان و دست اندرکاران و آنان که به قول شاعر کاری از دستشان بر می‌آید درخواست کنیم که اگر نمی‌توانند به صورت صددرصدی مشکلات اساسی این قشر عظیم هنری را حل و فصل نمایند، حداقل به اندازه توانشان و بودجه‌ای که در اختیار دارند و اختیاراتی که در دست دارند در جهت حل گوشه‌ای از مشکلات فعالان حوزه هنر قدمی بردارند و پیش از آنکه از دستشان هیچ کاری برنیاید، کاری انجام دهند. بالاخره نمی‌شود که به دلیل وجود کرونا کار عده‌ای از مردم را با تعطیلی روبرو کرد و در قبال به وجود آوردن این مسئله فکری برای معیشت آنها انجام نداد. این درست که با تعطیل کردن بسیاری از مشاغل در واقع می‌خواهیم از پیشروی ویروس کرونا و مبتلا شدن عده بیشتری از مردم جلوگیری کنیم، اما باید بدانیم با تعطیل شدن هر شغلی، خانواده‌ای با مشکلات اقتصادی مواجه می‌شود و بالاخره باید فکری به حالش بشود. اندیشه‌ای که مطمئنا نشانگر توانایی ما به عنوان مسئول و مدیر در مدیریت کردن شرایط بحران خواهد بود.

■ برخی هنوز مانده اند

به آغاز این گزارش برمی گردیم و اظهارات سعید خانی را که علاوه بر حرفه تهیه کنندگی و پخش کنندگی سینما، در عرصه سالن داری هم دستی بر آتش دارد، دوباره می‌خوانیم. این فعال حوزه سینما در سخنان کوتاهی که بیان می‌کند به برخی از مشاغل که منصفانه اگر قضاوت کنیم آنها هم جزو اهالی هنر و سینما هستند، اشاره می‌کند که از قافله افرادی که هنری هستند و ما به عنوان ژورنالیست دغدغه هایشان را منتشر کرده ایم، جا مانده اند. این عده همان کسانی هستند که زمانی که ما برای تماشای یک فیلم به سینما می‌رویم در بخش‌های مختلف سالن سینما مشغول کارند و ما عمدتا آنها را نمی‌بینیم، اشخاصی مانند بلیت فروش ها، مسئول سالن، نظافتچی، کسی که با چراغ قوه مردم را به صندلی هایشان هدایت می‌کند، شخصی که به عنوان آپاراتچی همیشه در آن اتاق کوچک می‌نیشیند و فیلم را برای پخش روی پرده سینما آمده می‌کند، حتی ساندویچ فروشی که در محوطه بیرونی سالن نمایش فیلم مشغول ارائه خدمت به کسانی است که برای تماشای فیلم به سینما آمده‌اند و... حالا یادتان آمد چه کسانی را می‌گوییم؟ آیا انصاف است که آنها را جزو صنف هنری قرار ندهیم به این دلیل که هنری تولید نمی‌کنند و به نوعی هنرمند نیستند، چرا؟ اگرچه آنها هنرمند نیستند و کار هنری تولید نمی‌کنند، اما در حوزه هنر که به فعالیت‌های خدماتی هنری مشغولند، نیستند؟ در یک مکان هنری فعالیت نمی‌کنند که می‌کنند، کارشان مرتبط با موضوع هنر نیست که هست، با افراد هنرمند و هنردوست ارتباط ندارند که دارند، اطلاعات هنری شان (مثلا همان شخصی که در آن اتاق کوچک می‌نشیند و فیلم را روی پرده پخش می‌کند) اندک است که نیست، همین افراد ممکن است از یک سوپراستار سینما بیشتر اطلاعات سینمایی داشته باشد، نام فیلم‌ها را بداند، بازیگران و کارگردانانشان را بشناسد، سال تولید فیلم را و حتی قصه آن را بداند، بالاخره او همیشه مشغول تماشای فیلم بوده است، اینطور نیست؟ «سینما پارادیزو» را به یاد بیاورید، همان پیرمردی که در آن کوچک می‌نشست و برای مردم فیلم پخش می‌کرد، آتشی که در «سینما پارادیزو» به جان سینما و پیرمرد آپاراتچی افتاد، شباهت بسیار تنگاتنگی با کرونایی دارد که امروز به جان این بخش از فعالان عرصه هنر در سالن‌های سینما افتاده است. مردمی که صبح به صبح به امید کار کردن و روزی حلال درآوردن راهی سالن‌های سینما می‌شوند و گاه ساعتها منتظر می‌مانند که یک نفر بیاید بلیت بخرد، وارد سالن شود، روی صندلی بنشیند و به تماشای فیلم مشغول شود تا از در کنار هم قرار گرفتن این یک نفرها، در طول روز، هفته و ماه سینما از بابت فروش بلیت درآمدی کسب کند و بخشی از آن درآمد هم به عنوان حقوق ماهانه نصیب این افراد شوند. اما آنطور که سعید خانی می‌گوید حال دیگر این افراد از کار بیکار شده‌اند و سالن‌ها تقریبا خالی مانده‌اند و یک نفر بیشتر داخلشان نیست، آنهم نگهبانی است که باید از آنجا مراقبت کند. این فاجعه متاسفانه رخ داده و شوربختانه اینکه فقط شامل حال سینما فجر اسلامشهر نمی‌شود، نشان به آن نشان که همین سه ماه پیش بود که مدیر پردیس سینمایی آزادی اعلام کرد که نیمی از کارکنان این پردیس تعدیل شده اند. وقتی صحبت از تعدیل می‌کنیم، سخن از بیکاری می‌کنیم، حرف از روزگاری می‌زنیم که مشخص نیست چقدر طول بکشد، چه مشکلاتی را ایجاد کند و چه عواقبی داشته باشد. شاید در گذشته‌های دور رخ دادن چنین اتفاقاتی فقط در قصه‌ها امکان پذیر بود، اما حال در روزگار کنونی به دلیل ویروس کرونا، آن قصه‌ها به واقعیت تبدیل شده اند. همه ما می‌دانیم قشری مانند کارکنان سالن‌های سینما، بیشتر کارگرند و حتی در شرایط عادی (زمانی که کرونا نیست) به سختی روزگار می‌گذرانند، حال تصور کنید این افراد در این شرایط از کار بیکار شده اند، در واقع نان دانی شان بی‌نان شده و هیچ ندارند تا به وسیله آن شکم خود و خانواده شان را سیر کنند، دقت کنید در اینجا حتی درباره لباس و مخارج تامین آن هم صحبت نمی‌کنیم، فقط درباره خوراک حرف می‌زنیم، یعنی اصلی‌ترین موضوع برای زنده ماندن، نان، دغدغه تمام بشریت. حال این افراد که تا دیروز این موضوع گریبان ذهنشان را نگرفته بود به یکباره با موضوع غم نان مواجه شده اند، چه باید بکنند؟ زندگیشان بسیار سخت‌تر از اینکه هست خواهد شد، ما که خبر نداریم آنها چند سر عائله دارند، چند جوان بیکار در خانه دارند، جوانانی که حتی شاید تحصیلات آکادمیک هم داشته باشند اما به دلایل مختلف که آخرین آنها همین ویروس منحوس کروناست، از بیکاری رنج می‌برند و شوربختانه کسی هم نیست که کمکشان کند، راهی جلوی پایشان بگذارد، به لحاظ مالی برای مدت کوتاهی هم که شده، ساپورتشان کند، سرنوشت این افراد واقعا چه خواهد شد؟ چه کسی جوابگوی مشکلاتی خواهد بود که این افراد بعد از این باید متحمل آنها شوند؟ کمی فکر کنیم، ما مسئولان اندکی بیشتر فکر کنیم، ضمن آنکه از ما مسئولان انتظار می‌رود که در کنار فکر کردن بیشتر، آستینهایمان را نیز بالا بزنیم و از حوزه شعار وارد مقوله عمل بشویم، هرچند شرایط بسیار سخت است، اما باور کنیم که هنوز هم خیلی دیر نشده، می‌شود کاری کرد.

> **● نمی‌شود که به دلیل وجود کرونا کار عده‌ای از مردم را با تعطیلی روبرو کرد و در قبال به وجود آوردن این مسئله فکری برای معیشت آنها انجام نداد. این درست که با تعطیل کردن بسیاری از مشاغل در واقع می‌خواهیم از پیشروی ویروس کرونا و مبتلا شدن عده بیشتری از مردم جلوگیری کنیم، اما باید بدانیم با تعطیل شدن هر شغلی، خانواده‌ای با مشکلات اقتصادی مواجه می‌شود و بالاخره باید فکری به حالش بشود. اندیشه‌ای که مطمئنا نشانگر توانایی ما به عنوان مسئول و مدیر در مدیریت کردن شرایط بحران خواهد بود**
>
> **● تصور کنید افرادی که در سالن‌های سینما کار می‌کردند در این شرایط از کار بیکار شده اند، در واقع نان دانی شان بی‌نان شده و هیچ ندارند تا به وسیله آن شکم خود و خانواده شان را سیر کنند، دقت کنید در اینجا حتی درباره لباس و مخارج تامین آن هم صحبت نمی‌کنیم، فقط درباره خوراک حرف می‌زنیم، یعنی اصلی‌ترین موضوع برای زنده ماندن، نان، دغدغه تمام بشریت. حال این افراد که تا دیروز این موضوع گریبان ذهنشان را نگرفته بود به یکباره با موضوع غم نان مواجه شده اند، چه باید بکنند؟ زندگیشان بسیار سخت‌تر از اینکه هست خواهد شد، ما که خبر نداریم آنها چند سر عائله دارند، چند جوان بیکار در خانه دارند، جوانانی که حتی شاید تحصیلات آکادمیک هم داشته باشند اما به دلایل مختلف که آخرین آنها همین ویروس منحوس کروناست، از بیکاری رنج می‌برند و شوربختانه کسی هم نیست که کمکشان کند، راهی جلوی پایشان بگذارد، به لحاظ مالی برای مدت کوتاهی هم که شده، ساپورتشان کند، سرنوشت این افراد واقعا چه خواهد شد؟ چه کسی جوابگوی مشکلاتی خواهد بود که این افراد بعد از این باید متحمل آنها شوند؟ کمی فکر کنیم، ما مسئولان اندکی بیشتر فکر کنیم، ضمن آنکه از ما مسئولان انتظار می‌رود که در کنار فکر کردن بیشتر، آستینهایمان را نیز بالا بزنیم و از حوزه شعار وارد مقوله عمل بشویم، هرچند شرایط بسیار سخت است، اما باور کنیم که هنوز هم خیلی دیر نشده، می‌شود کاری کرد**

«گرفتار زمان» گیشه چین را نجات داد!

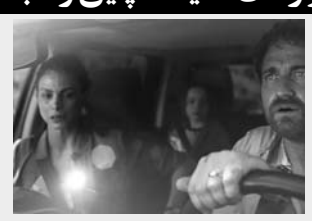

فیلم سینمایی «گرفتار زمان» ساخت هنگ کنگ در آخر هفته افتتاحیه خود جانی تازه‌ای به گیشه چین بخشید. این تریلر جنایی فانتزی که ماجرای پلیسی است که در تعقیب یک باند تبهکار در دوره‌های مختلف است، توانست ۳۰/۳ میلیون دلار درآمد کسب کند. در این فیلم که توسط استودیو «Emperor Motion Picture» تولید شده، «دنیل وو» و «وانگ کیان یوان» هنرپیشه‌های محبوب چین و هنگ کنگ بازی می‌کنند و «لاو هو لئونگ» کارگردانی آن را انجام داده است. «گرفتار زمان» توانست فیلم جنگی میهن پرستانه «ایثار» را که در سه آخر هفته گذشته در جایگاه نخست قرار داشت، کنار بزند و در جایگاه نخست پرفروش ترین‌های باکس آفیس کشور پهناور چین قرار بگیرد. براساس داده‌های مرکز «ArtisanGateway» فیلم «ایثار» در چهارمین آخر هفته خود ۶ میلیون دلار کسب کرد، و فروش کلی آن تا این تاریخ ۱۶۱ میلیون دلار است. فیلم سینمایی انیمیشن محبوب «سگ‌های نگهبان» با فروش ۳/۳ میلیون دلاری در هفته دوم اکران خود، جایگاه سوم باکس آفیس این هفته چین را کسب کرد. به گزارش فارس به نقل از ورایتی، این فیلم در هفته اول اکران افتتاحیه خود ۵/۵ میلیون دلار کسب کرد و در مجموع ۱۱ روز اکران، مبلغ ۹/۶ میلیون دلار درآمد داشته است.

«غیرعادی» دوباره در صدر گیشه آمریکا

فیلم ترسناک و کمدی «غیر عادی» موفقیت خود را در گیشه این هفته آمریکا که مدتی است به خاطر کرونا آسیب دیده تکرار کرد و با فروش ۱/۲میلیون دلاری از ۲ هزار سینمایی که در اختیار داشت، برای دومین هفته متوالی صدرنشین شد. وینس وان در این فیلم سینمایی نقش یک قاتل سریالی را بازی می‌کند و کاترین نیوتون نیز یک دختر دبیرستانی است. فیلم «غیر عادی» به دلیل عدم تمایل بسیاری از مخاطبان برای بازگشت به سینما تا زمان تهیه واکسن کرونا، در اکران ده روزه خود۵/۶ میلیون دلار فروخته است. یونیورسال تاکید کرد که گیشه سینما به دلیل کاهش قابل توجه تعداد سالن‌های نمایش در آمریکای شمالی همچنان دچار نقصان می‌شود؛ چرا که میزان سینماهایی که فیلم می‌تواند در آن اکران شود از ۳۴۰۰ مورد به ۲۸۰۰ کاهش یافته است. عملکرد فیلم «غیرعادی» با عملکرد سال گذشته که انیمیشن «منجمد ۲» دیزنی اکران شد، به شدت در تضاد است. در آن هفته انیمیشن منجمد ۱۳۰ میلیون دلار فروخت و گیشه هفتگی هالیوود هم رقم ۲۰۶ میلیون دلار را به ثبت رساند. به گزارش باشگاه خبرنگاران به نقل از رویترز، تحلیلگران گیشه می‌گویند با افزایش میزان مبتلایان به کرونا در پاییز امسال دور دیگری از تعطیلی‌ها و منع آمد و شد روی سینماها تاثیر خواهد گذاشت.

آفتاب | رویدادهای هنری

انصراف سامان از «زیرخاکی»

با پخش مجدد مجموعه تلویزیونی «زیرخاکی» به کارگردانی جلیل سامان از شبکه یک، این کارگردان تلویزیون با انتشار پستی در صفحه شخصی خود در جملاتی کوتاه نوشت: «با پوزش از مخاطبین دوست داشتنی سریال زیرخاکی، به علت سانسور بی‌دلیل آن در بازپخش و سیاست‌های دوگانه و متناقض تلویزیون از ادامه ساخت آن انصراف می‌دهم.» فصل نخست سریال «زیرخاکی» در ماه مبارک رمضان روی آنتن رفت که با استقبال مخاطبان همراه شد و این شب‌ها مجدد از شبکه یک سیما پخش می‌شود. به گزارش ایلنا، اعتراض به سانسور این سریال تنها حاشیه این مجموعه دنباله‌دار نمایشی نیست و پیش از این نیز سفر یکی از بازیگران زن سریال به خارج از کشور و شرکت در مراسم عروسی دخترش نیز موجب شد تا این سریال در آستانه پخش با مشکلاتی روبرو شود. همچنین با شیوع گسترده ویروس کرونا در هنگام تصویربرداری فصل یک، قسمت‌های پایانی سریال با ملاحظاتی در ساخت روبرو بود که منجر به کوتاه شدن قسمت‌های سریال شد.

جایزه برای «کلاس رانندگی»

فیلم کوتاه «کلاس رانندگی» به کارگردانی مرضیه ریاحی از دومین جشنواره جهانی فیلم کوتاه «هبدن بریج» انگلستان جایزه گرفت. در این دوره ۹ فیلم کوتاه فینالیست جشنواره بودند و «کلاس رانندگی» تنها نماینده ایران در این جشنواره بود. جایزه دوم بخش فیلم کوتاه این جشنواره به «کلاس رانندگی» به نمایندگی از ایران اهدا شد. به گزارش مهر، این جشنواره ۱۹ نوامبر مصادف با ۲۹ آبان ماه برگزیدگانش را معرفی کرد.

کامبوزیا پرتوی کرونا گرفت

کامبوزیا پرتوی کارگردان مطرح سینمای کودک و نویسنده آثار بسیاری از جمله محمد رسول الله (ص) به دلیل ابتلا به کرونا در بیمارستان بستری و تحت درمان است. پرتوی که متولد ۱۳۳۴ است ابتدای سال جاری نیز دچار سکته مغزی شده بود. تازه‌ترین ساخته او فیلم کامیون است که هنوز به نمایش عمومی در نیامده است. به گزارش ایرنا، چندی پیش این هنرمند در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان تقدیر شد. او تاکنون چند جایزه داخلی و بین‌المللی را دریافت کرده است.

جایزه برای «حبسی»

انیمیشن «حبسی» به کارگردانی احمد خوش نیت بهترین فیلم انیمیشن جشنواره محیط زیست ایتالیا شد. مراسم اختتامیه و اهدای جوایز مربوط به این فستیوال در تاریخ ۲۱ نوامبر (شنبه اول آذر ماه) و در سالن ویلارنای چیتادلا در شهر پادووای ایتالیا برگزار شد. در این مراسم انیمیشن «حبسی» از میان پنج نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم انیمیشن، به عنوان اثر برتر انتخاب و موفق به دریافت تندیس زمین طلایی شد. این انیمیشن با تکنیک سه بعدی کامپیوتری ساخته شده و مدت زمان آن ۱۱ دقیقه و ۲۲ ثانیه است. «حبسی» بتازگی نیز در جشنواره انیمیشن آیکونا کشور یونان نیز انتخاب شده است. به گزارش ایرنا، به دلیل شیوع ویروس کرونا، قرار است که آثار برگزیده این جشنواره نیز از تاریخ ۴ تا ۶ دسامبر ۲۰۲۰ مصادف با ۱۴ تا ۱۶ آذرماه به صورت آنلاین و از طریق پلتفرم این جشنواره به نمایش در آیند.

«فسیل» پروانه ساخت گرفت

فیلمنامه‌های «محله قدیمی فرخ» به کارگردانی و نویسندگی مشترک حسن و حسین صید خانی و مریم اشرفی، «سودا» به کارگردانی مهرداد فرید و نویسندگی امید آقایی جلیانی و «فسیل» به کارگردانی کریم امینی و نویسندگی مشترک آرمین طهماسبی، کریم امینی وعلی باطنی موافقت شورای ساخت سازمان سینمایی را اخذ کردند./صبا

آفتاب | شاهنامه‌خوانی

کشته شدن نوذر به دست افراسیاب

سوی شاه ترکان رسید آگهی
کزان نامداران جهان شد تهی
دلش گشت پر آتش از درد و غم
دو رخ را بخون جگر داد نم
بر آشفت و گفتا که نوذر کجاست
کزو ویسه خواهد همی کینه خواست
چه چاره است جز خون او ریختن
یکی کینه نو بر انگیختن
بدژخیم فرمود کو را کشان
ببر تا بیاموزد او سر فشان
سپهدار نوذر چو آگاه شد
بدانست کش روز کوتاه شد
سپاهی پر از غلغل و گفتگوی
سوی شاه نوذر نهادند روی
ببستند بازوش با بند تنگ
کشیدندش از جای پیش نهنگ
بدشت آوریدندش از خیمه خوار
برهنه سر و پای و برگشته کار
چو از دور دیدش زبان برگشاد
ز کین نیاگان همی کرد یاد
ز تور و ز سلم اندر آمد نخست
دل و دیده از شرم شاهان بشست
بدو گفت هر بد که آید سزاست
بگفت و بر آشفت و شمشیر خواست
بزد گردن خسرو تاج دار
تنش را بخاک اندر افگند خوار
شد آن یادگار منوچهر شاه
تهی ماند ایران ز تخت و کلاه
ایا دانشی مرد بسیار هوش
همه چادر آزمندی مپوش
که تخت و کله چون تو بسیار دید
چنین داستان چند خواهی شنید
رسیدی بجایی که بشتافتی
سر آمد کزو آرزو یافتی
چه جویی ازین تیره خاک نژند
که هم بازگرداندت مستمند
که گر چرخ گردان کشد زین تو
سرانجام خاکست بالین تو
پس آن بستگان را کشیدند خوار
بجان خواستند آنگهی زینهار
چو اغریرث پر هنر آن بدید
دل او ببر در چو آتش دمید
همی گفت چندین سر بی‌گناه
ز تن دور ماند بفرمان شاه
بیامد خروشان بخواهشگری
بیاراست با نامور داوری
که چندین سرافراز گرد و سوار
نه با ترگ و جوشن نه در کارزار
گرفتار کشتن نه والا بود
نشیبست جایی که بالا بود
سزد گر نیاید بجانشان گزند
سپاری همیدون بمن‌شان ببند
بریشان یکی غار زندان کنم
نگهدارشان هوشمندان کنم
بساری بزاری بر آرند هوش
تو از خون بکش دست و چندین مکوش
ببخشید جان‌شان بگفتار اوی
چو بشنید با درد پیکار اوی
بفرمودشان تا بساری برند
بغلّ و بمسمار و خواری برند
چو این کرده شد ساز رفتن گرفت
زمین زیر اسپان نهفتن گرفت
ز پیش دهستان سوی ری کشید
از اسپان برنج و بتک خوی کشید
کلاه کیانی به سر بر نهاد
بدینار دادن در اندر گشاد

آفتاب | کوتاه از هنر

غلامحسین منیرزاد درگذشت

غلامحسین منیرزاد پیشکسوت نمایشنامه نویسی گیلان بعد از تحمل یک دوره بیماری دار فانی را وداع گفت. این نویسنده و کارگردان گیلانی، در سال ۱۳۱۷ در رشت دیده به جهان گشود. وی پس از اتمام دوره تحصیلات مقدماتی برای ادامه مدارج علمی به کشور آلمان رفت و در دانشگاه ماکسی میلیان مونیخ به تحصیل در رشته مکانیک عمومی پرداخت. از سال ۱۳۴۲ به ایالات متحده امریکا مهاجرت کرد تا دوره تکمیلی کارشناسی خود را بگذراند. وی در سال ۱۳۴۵ به کشور بازگشت و در نیروی دریایی بندرانزلی مشغول به کار و در سال ۱۳۷۳ بازنشسته شد. به گزارش ایران‌تئاتر، از آثار او می‌توان به داس جنگ، اسیر، پس از واقعه، نظم نوین، تراژدی مرداب، دام صیاد، رقص ماهی، سواران سرنوشت، عصیانگر، قفس، زنجیرها، مرگ‌ارزانی و... اشاره کرد.